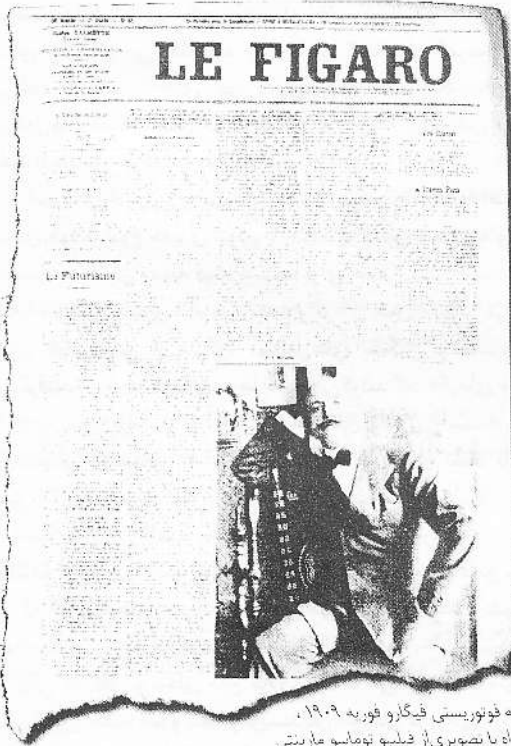


فوران انرژی و مطلق ادبیات و درام فوتوریستی

تانیا محمد صادق

«چقدر نوشتن صد صفحه احمقانه است، وقتی که نوشتن یک صفحه کافی است»



بیانیه فوتوریستی فیگارو فوریه ۱۹۰۹، همراه با تصویری از فیلیپو توماسو مارینتی

فوتوریسم جنبش ادبی و هنری اوایل قرن بیستم، زاینده دنیای مدرن و اندیشه متفکرانی چون فریدریش نیچه و آنری برگسون است. فوتوریست‌ها برای بیان احساسات و انگاره‌هایشان قالب هنری و الگوهای جدید و متناسب با عصر ماشین‌پر را پی‌ریزی کردند، عصری که در آن پیشرفت صنعت و تکنولوژی حرف اول را می‌زند. ماشین، موتور، حرکت، نور، سرعت و خشونت عناصر غالب عصر حاضر بودند که فوتوریست‌ها در قالب هنری خویش به آن پرداختند.

بنیانگذار مکتب فوتوریسم در ادبیات و درام و تئاتر، فیلیپو توماسو مارینتی نویسنده نثر ایتالیایی - فرانسوی، ناولیست و شاعر و دراماتیسیت ایتالیایی بود. او نخستین بیانیه فوتوریستی را در روزنامه پاریس فیگارو در ۲۰ فوریه ۱۹۰۹ منتشر می‌کند و آن را در صفحه نمایش کیارلا در سال ۱۹۱۰ اعلام می‌کند. از عقاید او خیلی سریع در ایتالیا استقبال شد و پیروانی پیدا کرد. مارینتی عقاید نیچه را در جهت اهداف خود به کار برد، به طوری که رگه‌های نظریات و عقاید نیچه در نسوج فوتوریسم به وضوح دیده می‌شود. نیچه در فلسفه اخلاقی خود از یک سو نابود کردن ارزش‌های پیشین و متداول کنونی و از سوی دیگر عرضه کردن یک آرمان فرهنگی جدید و جستجوی آن را مدنظر دارد. متعاقباً فوتوریست‌ها هم ارزش‌های گذشته را نادیده گرفتند و در صدد از بین بردن آن‌ها برآمدند. عدم توجه فوتوریست‌ها به مسائل ماوراءالطبیعه و توجه به مسائل این جهانی، ناشی از تأثیرپذیری آن‌ها از این فیلسوف بود. نیچه به ارزش و اصالت زبان نگاه تحقیرآمیزی دارد و به فرهنگ‌های زیرسیطره زبان حمله می‌کند؛ از این رو دست به ابداع سبک ایمایی و استعاری می‌زند. او با خرد کردن نظم جاافتاده و مقبول، به

لوچی روسولو، کارلو کارا، ف. ت. مارینتی، امبرو بوچونی و جینو سورینی در پاریس ۱۹۱۲



ایجاز و اختصار گزین‌گویه روی می‌آورد. نیچه در پرداخت این زبان به کشفی می‌رسد که بعدها در آثار ادبا و دراماتورژهای فوتوریست مفهوم ویژه‌ای می‌یابد. از طرفی نیچه اراده معطوف به قدرت را مطرح می‌کند که همان چیزی است که فوتوریست‌ها آن را می‌ستایند. اعتقاد نیچه به این امر که باید افراد ضعیف و ناتوان از بین بروند تا ابرمردی به وجود آید، در نظریه فوتوریست‌ها که معتقد به انهدام ضعف و ناتوانی زیر چرخ‌دنده‌های ماشین‌پر بودند، بازسازی می‌شود.

آری اندیشه این جنبی است که جامعه و هنر مدرن را شکل می‌دهد و مدرنیسم قد علم می‌کند و متعاقب آن مکاتب گوناگون (اسم‌های مختلف) به وجود می‌آید، رشد می‌کند، اوج می‌گیرد و بعد چون انس زیر خاکستر به حیات خود ادامه می‌دهد یا از بین می‌رود یا بر هنر نسل‌های بعد تأثیر

می‌گذارد.

با این مقدمه حال بینیم فوتوریسم به چه صورت ادبیات و درام را مورد آماج خود قرار می‌دهد و چگونه ادبیات و درام فوتوریستی شکل گرفت. اعتقاد فوتوریست‌ها به زیبایی‌شناسی فرمالیستی باعث شد به دستکاری ابزار هنرمند بپردازند. در واقع به ماده‌ای توجه داشتند که اثر هنری از آن ساخته می‌شود مثلاً زبان در شعر. از آن‌جا که عنصر مشترک ادبیات، شعر و درام، زبان است و ادبیات و درام هر دو در کنار هم تحت تأثیر این مکتب قرار گرفتند، تغییرات زبان در ادبیات و درام دیده شد و به دلیل فعالیت هنرمندان فوتوریست در زمینه‌های مختلف هنری، تجربه‌های خودی را در هر شاخه هنری به گرایش‌های هنری دیگر هم کشاندند و ادبیات و درام هم از این مقوله مستثنی نبود.

«بیانیه تخصصی ادبیات فوتوریستی» در ۱۱ مه ۱۹۱۲ منتشر شد که بنا به فرمان یک ملخ گردان به آزادی کلمات از زندان لائین‌شان تقدیم شده بود؛ و این آزادی واژگان به این ترتیب بود که اسامی به صورت اتفاقی پخش می‌شوند و از استیلای شخص نویسنده رهایی می‌یابند و نحو و قواعد قدیمی دستور زبان لغو می‌گردد. قید مانند قلاب کهنه یک کمر بند از رده خارج می‌شود. البته نشانه‌های نقطه‌گذاری مسخ شد و مکث‌های حاصله از ویرگول‌ها و نقطه‌ها جای خود را به علائم موزیکال یا ریاضی (= * +) دادند تا جهت و حرکت را نشان دهند.

اسم‌ها از راه قیاس با اسم‌های دیگر مرتبط می‌شد (البته اصل قیاس به خودی خود موضوع جدیدی نبود و با نظرات برگسون و مالارمه وجه اشتراک داشت). به عنوان نمونه فوتوریست‌ها برای معرفی سبز، سفید، قرمز پرچم ایتالیا از قیاس چمترار - آسمان سفید و گرمای خون استفاده کردند. شعرا و ادبای فوتوریستی از زندگی مولکول‌های سنگین و الکترون‌ها الهام می‌گرفتند. چنانچه فوتوریست‌ها اظهار می‌کردند که: «گرمای تکه‌ای آهن یا چوب بسیار پرشورتر از لبخند یا اشک‌های یک زن است.» و این تلقی دل‌مشغولی پراحساس نسبت به ماده به شدت در تضاد با احساسات انسان‌انگیزانه شعرا و ادبای رمانتیک قرار می‌گرفت. نویسندگان فوتوریستی به اشیاء جان می‌دادند و بدین شیوه یک منظره را از دید ویژه یک سگ توصیف کرده، یا مکالمه موتورها را بازگو می‌کردند. شعار فوتوریست‌ها این بود که «ما با شجاعت در ادبیات زشتی می‌آفرینیم و ایبهت و تشریفات را در همه ابعادش در هم می‌کوبیم... هر روز باید بر صورت آرمانی هنر تف انداخت. در جایی که عقل و منطق مانع خلاقیت شاعر می‌شود کشف شهود آزاد، در حکم قانون است» ادبا و شعرا و نویسندگان «واژگان در آزادی» را در آثارشان به کار گرفتند. اما شاهکار واژگان در آزادی، رمان ژانگ تومب تووم، اثر مارینتی بود که خط مشی ادبی او را آشکار می‌ساخت. داستان پیچیده ژانگ تومب تووم درباره جنگی بالکان است که مارینتی در کسوت خبرنگار جنگ شاهد آن بوده است.

داستان دارای سه نقطه اوج شعری است: بسیج نیروها و عزیمت به خط مقدم جبهه، محاصره و سرنوشت جانگداز قطاری پر از سربازان مجروح که به حال خود رها شده بودند تا در آتش جان بسپارند. مارینتی در این اثر از پیام‌های تلگرافی - صدای رت - ا - تت - تت شلیک اسلحه و صدای غرغز قطار، زبان مولکول‌ها و... به عنوان عناصری نو در داستانش استفاده کرده بود. در سال‌های بعد واژگان در آزادی سبک نئوتری، شعری و نقاشی فوتوریسم نقش مهمی ایفا کردند. در سال ۱۹۱۵ کالجی یولو اقدام اساسی‌تری در زمینه «نقاشی آزاد واژه» انجام داد. بدین صورت که واژگان را



از چپ به راست بوچونی، پراتلا، مارینتی، کارا، روسولو

به گونه‌ای می‌نوشت که جریان جهت‌دار و ریتمیکی را القاء می‌کرد. معمولاً فوتوریست‌ها متون ادبی را به گونه‌ای می‌نگاشتند که طرح گرافیکی این نوشته‌ها ریتم خاصی را در خود داشت. مایاکوفسکی فوتوریست روس هم از ریتم طرح‌های گرافیکی در نگارش متون ادبی استفاده کرد. او اشعارش را به روش پلکانی چاپ می‌کرد و نوعی ریتم بصری ایجاد می‌کرد. این مورد در نوشتن برخی نمایشنامه‌های فوتوریستی هم رعایت می‌شد. در سنگر تئاتر بیانیه نمایشنامه‌نویسان فوتوریست در سال ۱۹۱۱ و آشوب شام‌گاه‌های فوتوریست نشانه‌هایی از جایگاه معادل نمایشی واژگان در آزادی را مشخص نموده بود. فوتوریست‌ها در وادی تئاتر دوگونه تئاتر، وارپته و ترکیبی را به وجود آوردند. تئاتر وارپته که از مجموعه تئاتر، سخنرانی، سینما، شعبده‌بازی، گشتی و... شکل می‌گرفت و متن‌های نمایشی‌اش غالباً دکلمه‌های پویا و کوتاه‌وار بود. تئاتر وارپته به فوتوریست‌ها کمک می‌کرد تا آثار جلودانه را نابود سازند، از آن‌ها سرقت ادبی کنند و نقیضه بسارند و عظمت و شکوه آثار ادبی را پیش پا افتاده جلوه دهند، گویی که مقون جذابیت‌هایش نبودند.

اما فوتوریست‌ها با گفتن این جمله «چقدر نوشتن صد صفحه احمقانه است



انفجار
جیاکوموبالا

شخصیت
یک گلوله

چاده در شب، سرد، متروک.
یک دقیقه سکوت - شلیک یک اسلحه. پرده.

پاها

فیلیپو توماسو ماریتی

یک پرده با لیه سیاه به اندازه نیمی از قد یک انسان بالا می‌رود. حضار تنها
پاها را در حرکت می‌بینند. هنرپیشه‌ها باید سعی کنند بیش‌ترین توصیف را جهت
بیان عقایدشان را حرکات اندام‌ها و پاها بیان کنند.

(۱)

دو صندلی دسته‌دار مقابل یکدیگر
یک مرد مجرد
یک زن متأهل

مرد: همه چیزم فدای یک بوسه‌ات
زن: نه. یا من این طور حرف نزن!

(۲)

یک مرد که به جلو و عقب راه می‌رود.
مرد: بگذار به فکر فرو برویم.

(۳)

یک میز، مردی نشسته و به طور عصبی پای راستش را تکان می‌دهد.
مرد نشسته: من باید دربارم که کلاه بگذارم بدون این که اجازه بدهم سر
خودم کلاه ببرد.

(۴)

یک مرد با کلاه خاصی بر سرش به آهستگی راه می‌رود. مردی به سرعت
در حال راه رفتن است.

مرد سریع اولی: عجله کن!

مرد آهسته: آه! چه هیجانی! احتیاجی به دویدن نیست! عجله کار شیطونه!

(۵)

یک پدر

یک مرد مجرد

یک دختر جوان

پدر: هر وقت که مدرک دانشگاهی‌ات را گرفتی با دخترخاله‌ات ازدواج
خواهی کرد.

(۶)

یک پدال که چرخ خیاطی را به کار می‌اندازد.

یک دختر که کار می‌کند.

دختر: او را یکشسه خواهیم دید.

(۷)

یک مرد که در حال دویدن است.

یک پا که به او گلد می‌زند.

مردی که لگد به او زده شده حتمی!

T. MARINETTI FUTURISTA

ZANG TUMB TUMB

ADRIANOPOLI OTTOBRE 1912

TUUUMB IN LIBERTÀ
PAROLE TUUUMB TUUUMB TUUUMB
EDIZIONI FUTURISTE
DI "POESIA"
Caro Venezia 51 - MILANO
1914

وقتی که نوشتن یک صفحه کافی است. « سنگ بنای درام‌های ترکیبی را بنا
نهادند.

نمایشنامه‌نویسان فوتوریستی از شیوه و ساختار درام‌های قدیمی و
کلاسیک که به نظر آن‌ها درام‌های طولانی، تحلیلی و ساکن بود روی گردانند
و در صدد خلق درامی برآمدند که با آرمان‌ها و شعارهایشان هم‌خوانی داشت.
آن‌ها درام‌هایی را می‌انگاشتند که جوهر دراماتیک را در یک یا دو لحظه نمایشی
فشرده کند. از این جهت درام‌های فوتوریستی کوتاه، پویا و باریتمی متفاوت از
درام‌های کهن نوشته می‌شد. این درام‌ها را درام سنتتیک یا درام ترکیبی
می‌نامیدند. در ذیل نمونه‌ای از درام‌های سنتتیک نوشته فرانسسکو کاجی بولو
را تحت عنوان «اینجا سگی نیست» را خواهیم آورد.

ترکیب شب

شخصیت‌ها

کسی که آنجا نیست.

چاده در شب، سرما، متروک.

سگی از خیابان می‌گذرد.

پرده بسته می‌شود.

درام‌های فوتوریستی خصوصیات خاصی داشت که می‌توان به مواردی از
آن‌ها اشاره کرد: معمولاً این درام‌ها یا بسیار کوتاه بودند یا به بخش‌های زیادی
تقسیم می‌شدند مثل نمایشنامه انفجار نوشته جیاکومو بالا که در چند سطر
نگاشته شده است و یا نمایشنامه پاها اثر فیلیپو توماسو ماریتی که در
بخش‌های متعددی شکل گرفته است. برای درک مطلب در ذیل نمایشنامه‌ها
را خواهیم آورد:

بازگردیم به خصوصیات درام‌های فوتوریستی، در برخی از کارها نمایشنامه طرحی ندارد مثل مسکو در آتش (۱۹۰۵) اثر مایاکوفسکی، همان‌طور که گوردن کریگ نمایشنامه فاقد طرح داستانی را مطرح می‌کند که مرکب از توده‌های متحرک نور و صدا است و به وسیله حرکت به احساسات دست می‌یابد.

در نمایشنامه‌های فوتوریستی به قطعات ماشینی یا پیکره‌های پر سر و صدا اشاره می‌شد که بر روی صحنه آورده می‌شدند. برخی از نمایشنامه‌ها شباهت زیادی به تابلوهای نقاشی داشتند. قدرت تصویرسازی این نمایشنامه‌ها بسیار زیاد است، به طوری که کلمات با بار تصویری زیاد در نمایشنامه در کنار هم قرار گرفته‌اند.

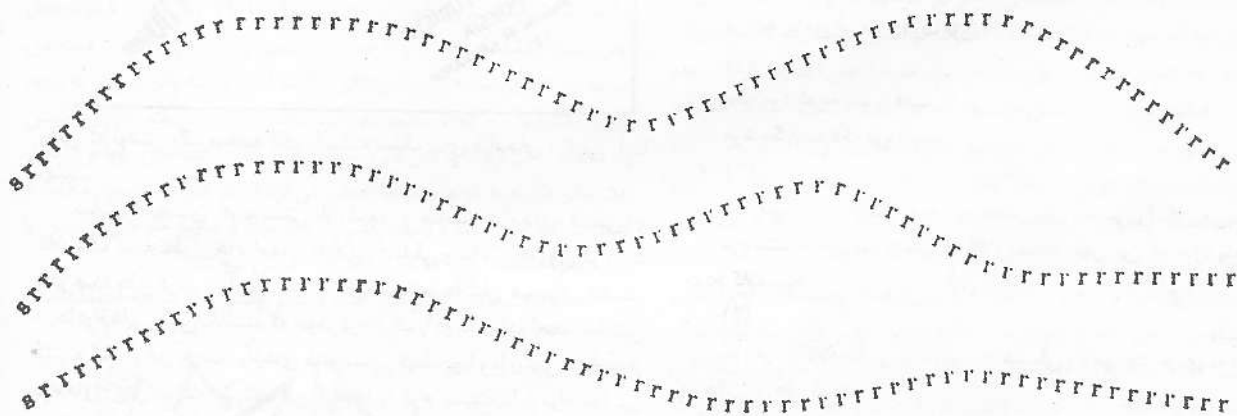
عبارت‌ها و جملات این نمایشنامه‌ها انتزاعی است و جنبه نمایشی دارد و کلمات در صورت قراردادی خویش به کار می‌روند. در برخی درام‌ها الزاماً شخصیت انسانی وجود ندارد و هیچ نشانه‌ای از انسان دیده نمی‌شود بلکه اشیاء هویت می‌یابند یا رنگ‌ها هستند که بازی می‌کنند مثل نمایش رنگ‌ها اثر دپرو.

در نمایشنامه‌های دیگر اصلاً بازیگر وجود ندارد مثل نفسانیت مکانیکی اثر فیلیا که در آن اشیای هندسی متحرک شخصیت ویژه‌ای دارند و کلمات

نمایشنامه‌های کوتاه اشاره می‌کند. حتا این تفکر تا آن‌جا در ذهنش ریشه دوانده بود که به خلاصه کردن آثار شکسپیر می‌اندیشید. موضوع نمایشنامه‌های ترکیبی، بدیع و بکر بودند و از زندگی مدرن الهام می‌گرفت. این نمایشنامه‌های موجز احساساتی آنی و لحظه‌ای در خواننده ایجاد می‌کردند. نمایشنامه‌ها از هم‌زمانی سود می‌جستند. در این گونه نمایشنامه‌های فوتوریستی چند قسمت مجزا که نمایشگر مکان‌های مختلفی بود نشان داده می‌شد؛ ولی در این قسمت‌ها به طور هم‌زمان بازی ادامه پیدا می‌کرد. مارینتی در پایان این نمایش‌ها و فضاهای مختلف را با هم ترکیب می‌کرد.

زنان از دیگر مشغله‌های ذهنی نویسندگان فوتوریست محسوب می‌شود، زنان با تمام استعدادهای فریبندگی و بی‌وفایی‌شان. در واقع شخصیت زن در آثار فوتوریستی در سطح بسیار نازلی نگریسته شده چنان که امبرتو بوچونی در نمایشنامه‌ای تحت عنوان «نبوغ و فرهنگ» بر دل‌مشغولی‌های معمول خود، زنان، منتقدین و موفقیت هنری متمرکز می‌شود، که داستان آن به شرح ذیل است:

در یک محیط اشرافی زنی از طبقه ممتاز مشغول آرایش است، منتقدی در حال ورق زدن کتاب‌هاست و هنرمندی به خاطر هنر در حال مرگ و از



خاصی را بر زبان می‌آوردند.

در نمایشنامه بیروزی بر خورشید اثر کروچینیخ و خلبینکوف پیرمردی با گریه‌هایش فریاد می‌زند: «ما خورشید را با لباس رقیقه‌ها مان سن‌جاق خواهیم کرد. از ستارگان گل‌سینه نقره‌ای می‌سازیم و...». تمهید عمده اثر «تحقق استعاره است که اشیاء را به موضوع‌های ناطق و مجردات را به ملموسات بدل می‌کند. بسیاری از واژگان کم و بیش به جناس‌ها و بازی‌های زبانی می‌انجامد. تک‌گویی‌های نمایشنامه مایاکوفسکی... آمیزه‌ای از اعتراض‌ها، فوران احساسات غنایی ما، پرواز تخیل سوررئالیستی و زخم زبان آشکار است که همه نیز عمدتاً با تمهیدات بلاغی شفاف پیش می‌رود.»

همان‌طور که پیش از این گفته شد نمایشنامه‌های ترکیبی کوتاه بودند چنانکه مارینتی در تعریف تئاتر ترکیبی به کوتاه کردن آثار نمایشی و یا

فقدان عشق در حال خفگی است، نه زن و نه منتقد وقت یا تمایلی برای کمک به او ندارند. زیرا منتقد می‌گوید: «من نمی‌توانم کمک کنم. من یک منتقدم نه یک انسان.» هنرمند در حالی که جویده جویده نام هنرمندان و فیلسوفان برجسته را بر زبان می‌آورد بر اثر خفگی جان می‌سپارد و منتقد تیر خلاص را در مغزش خالی می‌کند. منتقد پس از اطمینان از مرگ وی، پیروزمندانه می‌گوید: «خوب اکنون مونیوگرافی (رساله‌ای درباره نوع به‌خصوصی از گیاه یا جانور) خواهیم نوشت.» و روی میزش در جستجوی کتاب مقدس منتقدان یعنی زیبایی‌شناسی بندتو کروچه به نکاپو می‌افتد، وی چنین آغاز می‌کند: «حدود سال ۱۹۱۵ در ایتالیا رشد و نمو کرد...» لحظه‌ای از نوشتن باز می‌ایستد تا جسد را اندازه بگیرد. آن‌گاه ادامه می‌دهد: «مانند تمام هنرمندان بزرگ دارای ۱/۶۸ متر قد بود...» (اندازه قد بوچونی). بیانی به توصیف غنایی مطالبی نمی‌پردازد که در انتظار

آخرین مقاله مارینتی بیانیه تئاتر رادیو گرامافونی فوتوریست بود که در سال ۱۹۳۳ نوشته شد. در این بیانیه و پنج نمایشنامه‌ای که برای رادیو نوشت تجربیات وی در مورد صدا دارای ماهیت بنیادی بودند که فقط موسیقی آوانگارد دهه ۱۹۶۰ قابل رقابت با آن‌ها بود. استفاده وی از صداهای غیرموسیقایی، صداهای طبیعت (جرق جرق آتش، چلپ چلپ آب، تقلید صدای سیه‌پر) بعد تازه‌ای به هنر صداها افزود. مکاشفه مارینتی از سکوت به عنوان عنصر مسلم آهنگ‌سازی که باید آن را مانند صدا شنید پیشاپیش حاکی از دل‌مشغولی‌های آهنگسازانی چون جان کیج است.

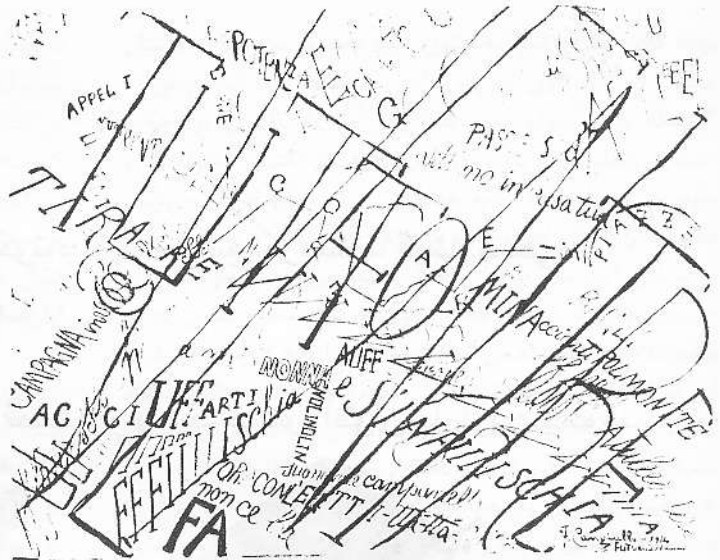
و بدین شکل توجه به اصوات و سکوت‌ها در سبک نگارشی متون نمایشی هم دیده شد. نمایشنامه سکوت در میان خودشان صحبت می‌کند، نمونه‌ای از این نمایشنامه‌ها است.

سکوت در میان خودشان صحبت می‌کند. فیلیپو توماسو مارینتی

- ۱۵ نایبه سکوت محض
- دو - ر - می - با یک فلوت
- ۸ نایبه سکوت محض
- دو - ر - می با یک فلوت
- ۲۹ نایبه سکوت محض
- سُل با یک پیانو
- دو با یک ترومپت
- ۴۰ نایبه سکوت محض
- صدای ن ن یک کودک
- ۴۰ نایبه سکوت محض
- ن ن یک کودک
- ۱۱ نایبه سکوت محض
- ۱ دقیقه صدای درررر یک موتور
- ۱۱ نایبه سکوت محض
- صدای اووووووی شگفتزده یک دختر بچه کوچونوی ۱۱ ساله

در آخر آن که نویسندگان فوتوریست پیشقدم شدند و شهامت تغییر دادن و شکستن قواعد کلاسیک را در نویسندگان نسل‌های بعد به وجود آوردند. هر چند در کتاب‌های تاریخ ادبیات یا تأثر کم‌تر نشانه‌ای از سابق فوتوریسم دیده می‌شود. فوتوریسم در خلال جنگ جهانی اول به دلیل تجلیل از جنگ (به عنوان نمونه کاملی از انرژی) پیروان خود را از دست داد و دوباره بعد از جنگ احیاء شد. در ۱۹۳۰ تب فوتوریسم فروکش کرد و راهگشای حرکت مکاتب دیگر شد و در دهه ۱۹۵۰ بار دیگر نوآوری‌های فوتوریستی احیاء شد و امروزه با نگاهی بر آثار نمایشی پست‌مدرن به خوبی تجلی فوتوریسم را در آن مشاهده می‌کنیم. به عنوان مثال پرفورمنس آرت (هنر اجرا) نمونه‌ای از تئاتر پست مدرن با ویژگی‌های تئاتر دهه هشتاد و مشخصه‌های پست‌مدرنیسم تحت تأثیر عوامل مختلفی چون تئاتر فوتوریستی شکل گرفته است.

از این رو شناخت ادبیات و درام فوتوریستی می‌تواند راهی باشد برای کسب ایده‌های متنوع که هنرمند می‌تواند با ترکیب و تلفیق این ایده‌ها با اندیشه و فرهنگ خود به خلاقیتی نوین دست یابد. ■



نمایشنامه‌نویس ترکیبی فوتوریست قرار داشتند: «در نیمه هوشیاری، در نیروهای متعارف، در تجرید محض، در هوشیاری خالص، در خیال محض، در شکستن رکودها و سفاقت توأم با خشونت.»

درام‌های فوتوریستی از مطرح کردن هرگونه احساسات و هیجانات درونی دوری می‌جستند و به طور کلی از مضامین روانشناختی دوری می‌جستند. این نمایشنامه‌ها سنت‌های قدیمی ادبیات را در هم شکست و به شیوه‌های ضدادبی و منطق‌گريزانه روی آورد. نمایشنامه‌های فوتوریستی صراحت بیان، تفسیر و تحلیل‌های زنده و گاه مضمّن‌کننده و گاه مبتنی بر تفسیرهای سیاسی به همراه داشتند. پس دراماتیس‌های فوتوریستی با رعایت نکردن قوانین و دستور زبان و معانی از آزادی کلمات غیرشاعرانه بهره گرفتند.

قدرت قهرمان نمایشنامه‌ها به گونه‌ای حقارت‌آمیز مورد تمسخر قرار می‌گیرد مثل مرگ موقت ایوان پری سیپ کین در نمایشنامه ساسی که طی حادثه‌ای فانتزی رخ می‌دهد یا در نمایشنامه به سوی پیروزی شخصیت اصلی پایش بر پوست انجیر می‌لغزد و از ساختمان بلندی سقوط کرده و می‌میرد.

نمایشنامه‌های فوتوریستی نتیجه‌گیری نمی‌کنند بلکه با کشیدن پرده، قضاوت را به عهده تماشاگران می‌گذارند. از آن‌جا که فوتوریست‌ها، انسان حریف و فاتح طبیعت را می‌پروراند به خورشید که نماد قدرت طبیعت است کینه‌توزانه برخورد می‌کنند. کینه آن‌ها به خورشید در بسیاری از آثارشان از نقاشی گرفته تا نمایش ... به چشم می‌خورد. نمایشنامه فوتوریستی پیروزی بر خورشید گویای این مدعاست. یکی از مواردی که در آثار درام‌نویسان فوتوریستی دیده می‌شود، زن‌ستیزی است که نمونه آن را هم در نمایشنامه پیروزی بر خورشید می‌توان یافت. در این آثار با نوعی آناشسیسم ادبی مواجهیم که نتیجه به کارگیری عناصر سمبولیستی و نشانه‌های نمادین در این آثار است. وقتی شخصیت‌های نمایش را اشیاء شامل می‌شوند به طوری که صحبت می‌کنند، خشمگین می‌شوند، دریافت‌های متفاوتی را سبب می‌شوند و بدین شکل مخاطب با آناشسیسم ادبی روبه‌رو می‌شود.